

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل پنجم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل پنجم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهار فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند بشوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

ایمانداری که به مشاوره مسیحی مراجعه کرده در این کتاب "ایماندار" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور مسیحی" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل پنجم

اصول و پیش فرض های مشاوره مسیحی

تعدادی از اصول و پیش فرض ها

اصول و پیش فرض های بسیاری بر مشاوره مسیحی حاکمند. در حقیقت می توان گفت تمام اصول و فرض هایی که در کلام خدا موجود می باشند بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر مشاوره مسیحی اثر می گذارند. این حقیقت است چون موضوع اصلی مشاوره مسیحی کلام خدا است. به همین دلیل نیز واجب است که مشاور مسیحی پایه محکمی در کلام خدا بدست آورده باشد.

روانشناسان مسیحی با تحصیلات عمیق خود همراه با دانش سطحی که از کلام خدا دارند، غیر از برداشتی کاملاً اشتباه راجع به حل مسائل و مشکلات انسان (و نتیجه فجیهی که همراه دارد)، کار دیگری نمی کنند. با این حال، متأسفانه بیشتر مشاوره انجام شده در خصوص مسائل و مشکلات انسان و چگونگی حل آن ها از طریق این "تحصیل کرده ها" انجام می شود. خادمین خدا که با کلام خدا آشنائی دارند باید اصول کلام خدا را نه تنها به کار برند، بلکه آن را توسعه نیز بدهند. نمی توان تنها بر تحصیل کرده های این دنیا تکیه کرد.

در اینجا باید بگویم که در خصوص اصول و پیش فرض هایی که زیر بنای مشاوره مسیحی را فراهم می کند، در این کتاب تنها تعداد معدودی را مورد بحث قرار خواهم داد^(۱).

۱. فرض من (بدون بحث راجع به آن) این است که همه اصول اصلی کلام خدا را (انسان در گناه مرده به دنیا می آید، نجات از طریق فیض است با ایمان، و غیره) قبول دارند.
۲. من تنها با تفسیر راجع به اصول و پیش فرض هایی که در مشاوره مسیحی حیاتی است صحبت کرده ام.

زندگی باید معنی داشته باشد

بر خلاف عقاید سکینر B. F. Skinner، داشتن زندگی پر حاصل و معنی (با نیت) نه تنها لازم است، بلکه برای سلامتی ضروری و در خصوص بعضی موارد حیاتی نیز می باشد. فعالیت های روزانه انسان معنی کوتاه مدتی را دارند.

جامعه ۵

۱۲: خواب عمده شیرین است خواه کم و خواه زیاد بخورد؛ اما سیری مرد دولتمند او را نمی گذارد که بخوابد.

کوشش روزانه ممکن است آخر روز سودمند و رضایت آمیز باشد. حتی ممکن است فواید مالی و قدرت و شهرت را نیز برای کوتاه مدت بار آورد. انسان نمی تواند بدون چنین فواید کوتاه مدت زندگی کند. اما، نتیجه ای که دارند (صرفاً بخاطر آن که کوتاه مدتند)، نیاز انسان را برای بدست آوردن معنی زندگی فراهم نمی سازند.

جدا از معنایی که زندگی در خدا دارد، معنایی که انسان از لذت های این دنیا بدست می آورد زود گذر است. این حکمتی است که کتاب جامعه فراهم ساخته است. فعالیت های گوناگونی که در کوتاه مدت نیاز های انسان را ارضاء می کنند (و در همان زمان بنظر دائمی نیز می آیند)، پس از گذشت زمان چیزی جز غرور و خود بینی را افشا نمی کنند. روانشناسان غیر مسیحی نیز نهایتاً به چنین موضوعی برخورد می کنند. ولی سلیمان پا فراتر از آن می گذارد، و می گوید نتیجه همه چیز را در ترس از خدا می توان یافت، و آن آغاز حکمت است. کتاب جامعه به درستی نتیجه زندگی را که هر شخصی به گونه خود تجربه می کند آشکار نموده است.

تفاوتی که میان دور نگری و نزدیک بینی وجود دارد را در متن کتاب مقدس میتوان یافت (۲). با این وجود بخاطر تمایل به آینده کلام خدا مسئولیت های کوتاه مدت را نادیده نگرفته است. در بخش یازدهم کتاب عبرانیان می بینیم که در گذشته ایمانداران قدرت انجام کار های با ارزش کوتاه مدت خود را از تمایل به آینده بدست آوردند. اصل مورد نظر این است که تنها قصد و اهداف دراز مدت اند که کار های روزمره را پر معنی و با ارزش می نمایند.

مکاشفه ۱

۸: خداوند خدا می گوید: «مَنم ”الف“ و مَنم ”ی“؛ مَنم آن که هست و بود و می آید، آن قادر مطلق.»

در نتیجه همه مقاصد نهایتاً معنی خود را از رابطه با خدا بدست می آورند. جدا از خدا، برنامه و کارهای روزمره سطحی و بدون رابطه با یک دیگر خواهند بود و نهایتاً هدف و مقصودی را به جای نمی گذارند. در حقیقت اگر قصدی در عملیات روزانه نباشد، آینده نیز بی مقصود خواهد بود. تنها با چشم دوختن به آینده ای که خدا منظور کرده، می توان زندگی روزانه را مطابق با کلام خدا ساخت.

کولسیان ۳

۲۳: هر کاری را از جان و دل چنان انجام دهید که گویی برای خداوند کار می کنید، نه برای انسان،
۲۴: زیرا می دانید پاداشتان میراثی است که از خداوند خواهید یافت، چرا که در حقیقت خداوند مسیح را خدمت می کنید.

مشاوران مسیحی باید این اصل حیاتی را که بر تمام خدمتشان حاکم است و بدون آن هیچ کاری در راه خدا انجام نمی گیرد آشنا بوده باشند. این موضوع باید برای مشاور مسیحی روشن بوده باشد: ایماندارانی که تنها بر طبق شرایط روزانه زندگی می کنند مرتکب اشتباه بزرگی شده اند. نهایتاً آنچه در خاتمه کتاب جامعه آمده را در زندگی خود بدست خواهند آورد:

جامعه ۱۲

۸: باطل اباطیل جامعه می گوید: همه چیز بطلت است.

ایماندارانی که خدا را هدف نهائی خود قرار نداده اند باید این اصل را کاملاً بشناسند. تنها در عیسی مسیح است که زندگی معنی حقیقی خود را بدست می آورد.

رومیان ۵

۱۷: زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان، مرگ از طریق او حکمرانی کرد، چقدر بیشتر آنان که فیض بیکران خدا و عطای پارسایی را دریافت کرده‌اند، توسط آن انسان دیگر، یعنی عیسی مسیح، در حیات حکم خواهند راند.

اختلال اعصاب

جامعه امروزه آن کسانی که بخاطر فشار های زندگی رفتار غیرعادی دارند را دچار "اختلال اعصاب" (nervous breakdown) خطاب کرده است. اما در حقیقت اعصاب این افراد اشکالی ندارد و کارش را در رفتار شخص نشان داده است. اشکال کار طریق زندگی روزانه او است که بدون هدف دچار "اختلال" شده، و نه اعصاب او. انسان قادر به تحمل مشکلات راه رسیدن به اهدافی که برایشان نقشه کشیده هست، و کمتر کسی هست که در راه بدست آوردن اهداف خود دچار "اختلال اعصاب" شده باشد. تشنج اعصاب شخص نتیجه زندگی روزانه ای است که دنبال کرده. اگر بخواهد اعصابش راحت باشد باید جهت تازه ای را پیش گیرد. افکار و رفتاری که تنها بستگی به شرایط روزانه دارند می تواند زندگی را شامل نتایج بسیار ناگواری نیز بکنند. و هنگامی که به مشاوران مسیحی روی می آورند با روحیه باخته، شکست خورده و ناامید می آیند. زندگی که به طریق دنیوی است، شامل فرار، دروغ، تقصیر گرایی و بسیاری از اشکالات دیگر خواهد بود.

امثال ۵

۲۲: بدکاریهای شریر به دامش می افکند، و در بند گناهان خویش گرفتار می آید.

امثال ۲۸

۱۰: آن که صالحان را به راه بد منحرف سازد، در چاهی که خود کنده است خواهد افتاد، اما راستان را میراث نیکو خواهد بود.

امثال ۲۹

۵: آن که تملق همسایه اش را بگوید، دامی برای پاهای وی می گسترده.

۶: بدکار در خلافاکاری خود به دام می افتد، اما پارسا می تواند سرود بخواند و شادمان باشد.

وقتی به مشاور مسیحی پناه می آورند که به انتهای راه خود رسیده و "گیر" کرده اند. اشکال این افراد در اعصابشان نیست بلکه در راه زندگی است. به انتهای راه خود رسیده و آن را خوشایند نمی بینند. چنین افرادی نیاز به شناخت بهتری از عیسی مسیح دارند (شاید از ابتدا شناخت درستی نداشته اند). معمولاً این افراد آماده دریافت خبر خوش عیسی مسیح نیز هستند. هر گونه مشورت دیگری (روانی و یا غیره) با شکست روبرو خواهد شد. در حقیقت این گونه مشورت و نصیحت ها چیزی جز "باطل اباطیل" نیست (۳). وقتی با چنین افرادی روبرو می شوید، توجه خواهید کرد که امیدی ندارند. ضمناً فراموش نکنید، وقتی به مشاور مسیحی روی می آورند، بیم آن را دارند که با توکل به امیدی که از شما بدست می آورند مانند گذشته دوباره با شکست مواجه شوند. کشت امید در کسانی که شکست های بسیاری را خورده اند ممکن است مشکل باشد، ولی غیر ممکن نیست (۴).

مشاوران مسیحی نیز ممکن است چشم از اهداف دراز مدت برداشته و تنها به وضع موجود تمرکز کنند. در چنین موارد خواهد دید که این افراد دوباره به جلسات مشاوره باز خواهند گشت چون کار انجام شده "کامل" نبوده. هدف اصلی، خواست خدا نبوده و تنها به اهداف کوتاه مدت رسیدگی شده. مشاور مسیحی باید دیدگاه ایماندار را متمرکز اهداف دراز مدت کند، و طبق شرایطی که دارد اهداف کوتاه مدت را در جهت رسیدن به اهداف دراز مدت بسازد. آینده باید روشن شده باشد، تا زندگی روزانه در جهت به آن بنا گردیده شود. سؤالات مربوط به یکایک اهداف، و راه رسیدن به آن ها، باید از قبل مطرح شده و امکانات مثبت و منفی هر یک نیز برآورد شده باشند. وقت لازم برای رسیدگی به این مسائل بنظر جزئی باید کنار گذاشتن شود چون همین شکست های جزئی است که نهایتاً شکست را به بار می آورند.

فهرست زیر نویس های فصل چهارم

- (۱) سعی من این است که به بخش سوم این کتاب که مطالب اصلی را در بر می گیرند برسم. این کتاب راهنما است، و بیشتر به جوانب عملی کلام خدا می پردازد.
- (۲) عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۴ تا ۱۶، ۲۴ تا ۲۶، ۱۲: ۲، ۱۰، ۱۱؛ اول تیموتاوس ۴: ۷ و ۸.
- (۳) وارد ساختن شک الکترونیک (شک برقی) ممکن است افکار شخص را تغییر جهت بدهد، ولی درمان دراز مدت نخواهد بود. در واقع تنها کاری که می کند وقایع گذشته را از یاد می برد و شکل درمان را بخود می گیرد. ولی آنچه باعث ناراحتی شده بجای خود باقی می ماند. وقتی حافظه بر می گردد، مسائل و مشکلات مجدداً تکرار می شوند. وقتی امکان رسیدگی قاطع به مسائل و مشکلات از طریق کلام خدا موجود می باشد، به سختی می توان درمان شک الکترونیک را جایز و قابل قبول شمرد.
- (۴) راجع به امید صحبت بیشتری باید بشود. در این قسمت باید بگویم، افرادی که دچار افسردگی روحی می باشند را باید از کسانی که دچار شکست های روزمره شده اند تفکیک داد. ایماندارانی که چنین روحیه ای را دارد، "چه فایده، همه چیز باطل است" را می توان جز افسردگان شناخت. او اهمیت به چیزی نمی دهد و معمولاً برای خود دلسوزی نشان می دهد. ایماندارانی که با شکست روزانه مواجه شده با روحیه، "چکار کنم؟" و یا "راه حلی برایم دارید؟" از خود نشان می دهد. او نگران است چون به بن بست رسیده است. امکانات او به پایان رسیده و دنبال راه تازه می باشد. چنین اشخاصی راه تازه را ساده تر می پذیرند. این گونه افراد را باید با راه تازه زندگی خدا آشنا ساخت و سپس با توبه راه را شروع کرد. نصیحت عمده برای شخص افسرده را در مکاشفه ۲: ۴ و ۵ می توان یافت. البته راجع به هر دو در فصل های آینده صحبت بیشتری خواهم کرد.